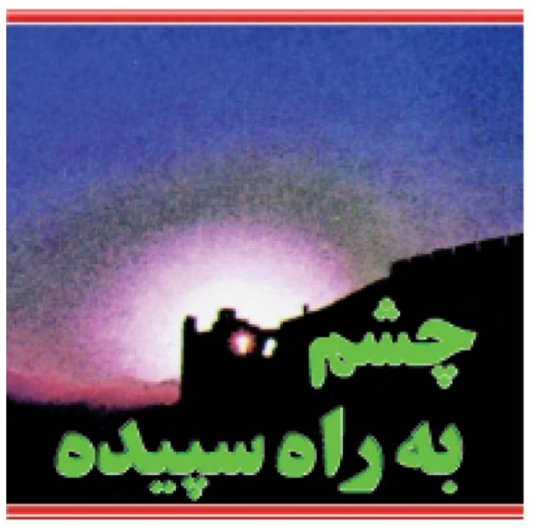

Email: SEPIDEH@kayhannews.ir

تو را غایب نامیده‌اند، چون «ظاهر» نیستی، نه اینکه «حاضر» نباشی.

«غیبت» بـه معنای «حاضر نبودن»، تهمت ناروایی است کـه به تو زده‌اند و آنان که بر این پندارند، فرق میان «ظهور» و «حضـور» را نمی‌دانند، آمدنـت که در انتظار آنیم به معنای «ظهور» اسـت، نه «حضور» و دلشـدگانت که هر صبح و شام تـو را می‌خوانند، ظهورت را از خـدا می‌طلبند نه حضورت را. وقتی ظاهر می‌شوی، همه انگشت حیرت به دندان می‌گزند با تعجـب می‌گویند که تو را پیش از این هم دیده‌اند. و راسـت می‌گوینـد، چرا که تو در میان مائی، زیرا امام مائی، جمعه که از راه می‌رسد، صاحبدلان «دل» از دست می‌دهند و قرار از کف می‌نهند و قافله دل‌های بی‌قرار روی به قبله می‌کنند و آمدنت را به انتظار می‌نشینند...

و اینک ای قبله هر قافله و ای «شبروان را مشعله»، در آستانه آدینه‌ای دیگر که با سالروز بزرگترین رخداد عالم یعنی بعثت رسـول خدا(ص) همزمان اسـت، با دلدادگان دیگری از خیل منتظرانت سرود انتظار را زمزمه می‌کنیم.

چله‌نشین تو

سـبیح اشـک‌های سـحر بی‌نتیجه نیسـت
در گریـه دیده‌ایـم اثـر، بی‌نتیجـه نیسـت
بـاور کنیـد آه جگـر بی‌نتیجـه نیسـت
اینقـدر بـاز مانـدن در بی‌نتیجـه نیسـت
از انتظـار پنجره‌هـا کـور میشـوند
بی‌نـور چشـم تـو گره‌هـا کـور میشـوند
تقویم‌هایمـان همـه زارنـد، خسـته انـد
ایـن ابرهـا چگونـه ببارنـد، خسـته‌اند
کارم غـروب جمعـه به اشـکال خورده شـد
دیدی هزار و سـیصدمان سـال خورده شـد؟
نـام تـو میبریـم اگـر قنـد میخوریـم
پـس مـا بـه رد پـای تـو پیونـد میخوریم
وقتـی که مـا به جـان تو سـوگند میخوریم
یعنـی بـه درد لطـف خداونـد میخوریـم
مرحمتـش گرفـت، گرفتـار تـو شـدیم
چله‌نشـین لحظـه‌ی دیـدار تـو شـدیم

***

ما را دریاب

ای چشـمه دین‌نـاب، مـا را دریـاب
فرزنـد ابوتـراب، مـا را دریـاب
خورشـید عزیـز فاطمه، مهـدی جان
بـر عالـم مـا بتـاب، مـا را دریـاب

***

سهم ما

در کار عشـق دو روی هجـران بـه ما رسـید
یوسـف کـه رفت غصـه کنعان به ما رسـید
مـا، سـال‌ها بـه پـای وصالـت گریسـتیم
یعقـوب‌وار، دیـده گریـان بـه مـا رسـید

جواد پرچمی

***

نیاز همه

نـاز تـو و نیـاز همـه، سـخت
افتـاده در میـان مثل‌هـا
کنعـان پیـر، چشـم بـه راه اسـت
ای پیرهـن بیـا بـه بغل‌هـا

حسین قربانچه

***

تکرار در تکرار

دلـداده بایـد بـود و از دلـدار بایـد خوانـد
ماننـد مرغـی دور از گلـزار بایـد خوانـد
از گفتـن یک‌بـار نـام تـو هـزاران حیـف
یعنـی تـو را تکـرار در تکـرار بایـد خوانـد

محمد بیابانی

***

بگو چگونه؟

بگـو چگونـه بیایـم، چگونـه آقاجـان
بـه جسـتجوی تـو و خیمـه و بیابانـت
بـه که قسـم بخـورم، بی‌تـو من کـم آوردم
بس اسـت این همه دوری، بس است هجرانت

مهرداد مهرابی

با حضور اقشار مختلف صورت گرفت

برگزاری باشکوه مراسم ۱۴ خرداد در حرم مطهر امام(ره)

مراسـم بیست و چهارمین سالگرد ارتحال بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی(ره) روز سه‌شنبه (۱۴خرداد) با حضور گسترده اقشار مختلف مردم، سران قوا، مقامات لشکری و کشوری، سفرا و مهمانان خارجی در حرم‌مطهر ایشان برگزار شد.

این مراسـم از سـاعت ۹:۳۰ با سخنرانی حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی نوه امام آغاز شد و مقام معظم رهبری در ساعت ۱۰ با حضور در این مراسم، به بیان رهنمودهایشان پرداختند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیر و برخی اعضای شورای نگهبان و اکثر کاندیداهای یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری نیز از دیگر مهمانان این مراسم بودند.

حجت‌الاسـلام سیدحسن خمینی طی سـخنانی در این مراسم با بیان اینکه امید به خدا در تمام پیام‌ها و سـخنان امام(ره) موج می‌زند اظهار داشـت: در تمام فراز و فرودها آنچه که امام(ره) را در نفس خود مطمئن می‌کند، امید به فردا و خداست. درس امام(ره)، امید به خداست. وی خاطر نشـان کرد: انسان فراز و فرودهایی دارد، آنچه که انسان را در لحظات سـخت و شـاد، در مدار اعتدال نگه می‌دارد امید به خدا و فرداست.

سیدحسن خمینی همچنین با اشاره به انتخابات آتی ریاست‌جمهوری گفت: ما در این ماه انتخابات ریاست‌جمهوری را نیز در پیش داریم که امیدواریم با لطف و قوه الهی به مسـئولیت خودمان در این امر خطیر عمل کنیم.

خوش‌وبش هاشمی و احمدی‌نژاد یکی از سوژه‌هایی بود که از دید دوربین‌ها پنهان نماند و آنها به صورت گسترده آن را منعکس کردند.

رهبر معظم انقلاب تبیین فرمودند

نقشه راه امام در اقتصاد، فرهنگ و سیاست

حضـرت آیـت‌الله خامنه‌ای رهبـر معظم انقلاب اسلامی در جمع انبوه و پرشمار مردم مومن و انقلابی از سراسر کشـور، در حرم مطهر امام خمینی(رض)، سخنان مهمی را ایراد فرمودند.

متن کامل سخنان معظم له به این شرح است:

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاةُ و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسـم المصطفـی محمّد و علی ءاله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداةُ المهدیّین المعصومین سـیّما بقیّةُالله فی الأرضین.

خداوند متعال را سپاسگزاریم که یک نوبت دیگر به ما فرصت داد، مجال داد، عمر داد تا بتوانیم در یک چنین روزی از امام عزیزمان تجلیل کنیم و به آن بزرگوار عرض ارادت و اخلاص کنیم. اگرچه یاد امام در میان ملت ما همواره زنده است، ولی روز چهاردهم خرداد مظهر دلبستگی ملت ایران به امام بزرگوار است. امسال این روزها مصادف است با سالگرد شـهادت جد بزرگوار امامان، حضرت امام موسی‌بن‌جعفر (علیه الصّلاةُ و السّـلام)؛ همچنین امسال مصادف است با پنجاهمین سـال حادثه تعیین کننده و مهم پانزده خرداد در سـال ۱۳۴۲. مسئله پانزده خرداد، مسئله مهم و مقطع مهمی است. من مختصراً در این باره عرایضی عرض می‌کنم تا برسیم به مطالب اصلی و لازم.

تحلیلی بر ۱۵ خرداد

پانـزده خـرداد مبدأ نهضت بـزرگ روحانیت و مردم نیسـت. قبل از پانزده خرداد، در سـال ۱۳۴۱ و آغاز سال ۱۳۴۲، قضایـای مهمی اتفاق افتـاد: در دوم فروردین ۴۲، حادثه مدرسه فیضیه پیش آمد و ضرب و جرح طلاب علوم دینی و اهانت به مرجع عالیقدر مرحوم آیت‌الله گلپایگانی. قبل از آن، در اواخر سـال ۱۳۴۱، قضایای تظاهرات مردم در بـازار تهـران پیش آمد و در آنجا هـم اهانت به مرجع عالیقدر مرحوم آیت‌الله حاج سـید احمد خوانساری. اینها نشان‌دهنده این اسـت که نهضت روحانیت در سال ۴۱ و آغاز سال ۴۲ به آنچنان اوج و نشاطی رسیده بود که پلیس دستگاه جبار و دستگاه‌های امنیتی برخوردهای خشنی با علما و طلاب و حتّی مراجع تقلید داشتند. ولی با این همه، پانزدهم خرداد سال ۴۲ یک مقطع بسیار مهمی است. علت این است که در روز ۱۵ خرداد ۴۲ حادثه‌ای که اتفاق افتاد، پیوند مردم با روحانیت را در این سطح خطرناک و حساس نشان داد. در روز عاشورای آن سال - که روز سیزدهم خرداد بود - امام بزرگوار در مدرسه فیضیه یک سخنرانی تاریخیِ تعیین‌کننده‌ای کردند. بعد که امام را دستگیر کردند، در روز پانزده خرداد عمدتاً در تهران، همچنین در قم و در بعضی از شهرهای دیگر، یک موج حرکت عظیم مردمی به راه افتاد و رژیم طاغوت با همه وجود، با ارتش خود، با پلیس خود، با دسـتگاه‌های امنیتی خود، دست به سرکوب این حرکت مردمی زد. در پانزده خرداد یک قیام مردمی به وجود آمد. این نشان‌دهنده این بود که آحاد ملت ایران، با روحانیت، با مرجعیت - که مظهر آن، امام بزرگوار بود - یک چنین پیوند مستحکمی دارند. و نکته اینجاست که همین پیوند است که ضامن پیشرفت نهضت، اوج نهضت و پیروزی نهضت می‌شود. هر جا یک حرکتی، یک نهضتی به مردم متکی بود و مردم با آن همراه شدند، این نهضت قابل ادامه است؛ اما اگر مردم بـا یک حرکت اعتراضی پیوند نخوردند، ناکام خواهد ماند؛ کما اینکه بعد از حادثه مشـروطه در ایران قضایایی اتفاق افتاد، مبارزاتی شروع شد، هم از طرف گروه‌های چپ، هم از طرف گروه‌های ملی، اما همه اینها در طول تاریخ نهضت‌های ایران، سرنوشتشـان شکسـت و ناکامی بود؛ چون مردم با اینها نبودند. وقتی مردم وارد میدان می‌شـوند و پشـتوانه یک نهضت، احساسـات مردم، اندیشه مردم و حضور مردم می‌شود، آن نهضت قابل ادامه است و پیروزی برای آن نهضت رقم می‌خورد؛ حادثه پانزده خرداد این مطلب را نشان داد؛ نشـان داد که مردم پشت سر روحانیتند. با دستگیری امام بزرگوار آنچنان قیامتی در تهران و در برخی از شهرستانهای دیگر به راه افتاد که دسـتگاه را وارد میدان کرد و سرکوب وحشیانه‌ای کردند؛ تعداد نامعلومی - بسیار زیاد - از مردم کشته شدند؛ خیابانهای تهران با خون بندگان خدا و مؤمنان و جوانان سلحشـور این ملت، رنگین شد. در پانزده خرداد، چهره خشـن دیکتاتور، چهره بی‌رحم رژیم طاغوت، کاملاً خود را نشان داد.

اتهام افراطی بودن به مبارزین

امـا نکته دیگری کـه در قضیه پانزده خـرداد وجود داشـت - که جوانهای ما، مـردم عزیز ما باید به این نکات توجه کنند؛ اینها مهم است - این بود که در مقابل این کشتار بی‌رحمانه‌ای که در تهران و برخی نقاط دیگر به وجود آمد، هیچ نهادی از نهادهای دنیا، از این سـازمانهای به‌اصطلاح حقوق بشـر، زبان به اعتراض نگشودند؛ هیچ کس اعتراض نکرد. مردم و روحانیت، در صحنه تنها ماندند. مارکسیستها و دولتهـای چپ و گروههای چـپ، حتّی حرکت مردم در پانـزده خـرداد را محکوم کردند؛ گفتنـد این یک حرکت فئودالیستی بود! ملی‌گراهایی که دم از مبارزه می‌زدند، آنها هم این حرکت را محکوم کردند؛ گفتند یک حرکت کور و بی‌هدف بود، یک حرکت افراطی بود! هر جایی که مردمان عافیت‌طلب و راحت‌طلب، در وسط میدان مبارزه، جایی برای خود باز نمی‌کنند و خطرپذیری نمی‌کنند، انسانهای مؤمن و مبارز را به تندی و افراطی‌گری متهم می‌کنند؛ گفتند اینها افراطی بودند؛ حرکت، حرکت افراطی بود. امام به پشتوانه این مردم، تنها ماند در میدان؛ اما به معنای حقیقی کلمه، یک رهبر آسمانی و معنویِ قاطع و مصمم را در چهره خود به همه مردم و به تاریخ نشان داد.

سه باور امام

سـه باور در امام بزرگوار ما وجود داشـت، که همین سـه باور به او قاطعیت می‌داد، شجاعت می‌داد و استقامت مـی‌داد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سـه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه حرکتهای امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشـان داد. امام با دل خود با مردم حـرف زد، مردم هم با جان خود به او لبیک گفتند، به وسـط میدان آمدند و مردانه ایسـتادند و حرکتی که از هیچ نقطه‌ای از دنیا نسبت به آن، نگاه محبت‌آمیزی وجود نداشت و دست کمکی دراز نشد، به تدریج به سمت پیروزی حرکت کرد و در نهایت به پیروزی رسید.

من این سـه باوری را که در امام وجود داشت، اندکی باز کنم. اینها مطالب مهمی اسـت که اگر چنانچه در دل ما جایی باز کند، مسیر حرکت ما را روشن خواهد کرد.

در باور به خدا، امام مصداق این آیه شریفه بود: «الّذین قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل».(۱) «حسبنا الله و نعم الوکیـل» را امـام با همه وجود ادا می‌کرد و از بن دندان به آن معتقد بود. امام به خدای متعال اعتماد داشت، به وعده الهی یقین داشت، برای خدا حرکت کرد و کار کرد و حرف زد و اقدام کرد و می‌دانست که «ان تنصروا الله ینصرکم»(۲) وعده الهی است و حتمی و تخلف‌ناپذیر است.

در بـاور به مردم، امام بزرگوار، ملت ایران را به معنای حقیقی کلمه می‌شناخت. امام اعتقاد داشت که این ملت، ملتی است با ایمان عمیق، باهوش و شجاع؛ که اگر پیشوایان لایقـی در میان آنها پیدا شـوند، این ملـت می‌تواند مثل خورشـید در میدانهای مختلف بدرخشد؛ امام این را قبول داشت. اگر یک روز عنصر نالایقی مثل شاه سلطان حسین موجب شـد که ملت ایـران در لاک خود فرو بروند، اما در روز دیگری، مرد شجاعی مثل نادرقلی - بدون آن القاب و عناوین - وقتی در میان مردم ظاهر می‌شود و با شجاعت، پیشوایی مردم را به عهده می‌گیرد، این ملت می‌تواند میدان حرکت افتخارآمیز خود را از دهلی تا دریای سیاه گسترش دهد؛ این را امام در تاریخ دیده بود، نظایر آن را مشـاهده کرده بود و اعتقاد و ایمان به این مطلب داشت؛ ملت ایران را می‌شناخت، به ملت ایران اعتماد داشت. ایمان عمیق مردم که در زیر اندودهای ساخته و پرداخته دنیاطلبان مخفی و پنهان شـده بود، امام بزرگوار این ایمان عمیقِ تغییرناپذیر را شکوفا کرد؛ غیرت دینی مردم را برانگیخت و ملت ایران الگوی استقامت و بصیرت شد. مردم در چشم امام بزرگوار، عزیزترین بودند؛ دشـمنان مردم، منفورترین بودند. اینکه شما ملاحظه می‌کنید که امام در مقابله با قدرتهای سلطه‌گر لحظه‌ای از پا ننشست، عمدتاً به‌خاطر همین بود که قدرتهای سلطه‌گر، دشـمن سعادت مردم بودند و امام دشـمن مردم را دشمن می‌داشت.

ما می‌توانیم

در باور به خود - اعتماد بـه نفـس - امام بـه مردم ایران «ما می‌توانیم» را تعلیم داد. امـام قبـل از آنکه «ما می‌توانیم» را به مردم ایران تلقیـن کنـد و تعلیم دهد، «مـا می‌توانیم» را در وجود خـود زنده کرد؛ اعتقاد خود را به توانایی شـخصیتی خود، به معنای حقیقی کلمه، به مظهر بروز و ظهور رساند. در روز عاشورای سال ۴۲ امام در عین غربت، در میان طلاب و مردم قم در مدرسـه فیضیه، محمدرضا شاه را که با اتکای آمریکا و قدرتهای خارجی، به طور بی‌قید و شرط و بی‌مهاری بر کشور حکومت می‌کرد، تهدیـد کرد که اگر این‌جور حرکـت کنی، این راه را ادامه دهـی، من به مردم ایران خواهم گفت تو را از ایران بیرون کنند! این را چه کسـی می‌گوید؟ یک روحانی سـاکن در قم، بدون سلاح، بدون تجهیزات، بدون پول، بدون پشتوانه بین‌المللـی؛ فقط به اتکای ایمان به خدا و اعتماد به نفس، که می‌تواند در این میدان بایستد. آن روزی که امام از تبعید برگشت، در همین بهشت زهرا دولت بختیار را تهدید کرد و با صدای بلند گفت: من توی دهن دولت بختیار می‌زنم، من دولت تعیین می‌کنم. این، اعتماد به نفس بود. امام به خـود و به نیروی خود و بـه توانایی‌های خود ایمان و باور داشت. همین باور به خود، در عمل امام، در گفتار امام، به ملت ایران منتقل شد. عزیزان من! صد سال به ما ملت ایران تلقین کرده بودند که شما نمی‌توانید؛ نمی‌توانید کشورتان را اداره کنید، نمی‌توانید عزت به دست بیاورید، نمی‌توانید ساخت‌وساز کنید، نمی‌توانید در میدان علم حرکت کنید، نمی‌توانید، نمی‌توانید؛ ما هم باورمان شده بود.

یکی از ابزارهای مؤثر دشـمنان برای تسلط بر ملتها، همین تلقین «نمی‌توانید» اسـت؛ که ملتها مأیوس شوند، بگوینـد ما که نمی‌توانیم کاری بکنیـم. با این ترفند، صد سـال ملت ایران در میدانهای سیاست، علم، اقتصاد و همه میدانهای زندگی عقـب افتاد. امام مطلب را برگرداند، این ابزار تسـلط ابرقدرتها را از دست آنها گرفت، به ملت ایران گفت «شما می‌توانید»؛ شجاعت را به ما برگرداند، تصمیم و قاطعیت را به ما برگرداند، اعتماد به نفس را به ما برگرداند، ما ملت ایران احساس کردیم می‌توانیم؛ حرکت کردیم، اقدام کردیم؛ لذا ملت ایران در همه میدانها - که حالا اشـاره‌ای خواهم کرد - در این سی و چند سال پیروز شده است.

این سه باور در امام - یعنی باور به خدا، باور به مردم، باور به خود - محور همه تصمیم‌گیری‌های او، همه اقدامهای او و همه سیاستهای او شد. در آغاز نهضت، همین سه باور به امام قـدرت داد؛ در دوران تبعید، همین جور؛ در وقتی که امام به پاریس حرکت کرد، همین جور؛ در وقتی که به ایران آمد، همین سه باور به امام این قدرت را داد که در آن شرایط وارد تهران شود؛ در حوادث بهمن ۵۷، در فتنه‌های داخلی، در اعلام نظام جمهوری اسـلامی، در ایسـتادگی صریح در مقابل نظم ظالمانه جهانی، در اعلام «نه شـرقی، نه غربی»، در جنگ تحمیلی، و در همه قضایای آن ده سالِ پرحادثه زندگی امام، همین سـه باور در امام متجلی بود. منشأ تصمیم امام، منشأ اقدام امام، منشأ سیاستهای امام، همین سه باور بود.

انقلابی‌تر از سال ۴۲

تا روزهای آخر زندگی، هیچ کس در حرف و عمل امام بزرگوار ما، نشانی از افسردگی و تردید و خستگی و وادادگی و تسلیم‌طلبی پیدا نکرد. بسیاری از انقلابی‌های دنیا وقتی که از دوران جوانی خارج می‌شـوند و به پیری می‌رسند، دچار تردید می‌شوند، دچار محافظه‌کاری می‌شوند؛ حتّی گاهی حرفهای اصلی خودشان را هم پس می‌گیرند. بیانیه‌های امام در سالهای آخر عمر، حتّی از سخنان سال ۴۲ ایشان گاهی انقلابی‌تر بود، تندتر بود، قوی‌تر بود؛ پیر می‌شد، اما دل او جوان بود، روح او زنده بود؛ این همان اسـتقامتی است که در قرآن کریم می‌فرماید: «و ان لو اسـتقاموا علی الطّریقة لاسقیناهم ماء غدقا».(۳) در آیه دیگر می‌فرماید: «انّ الّذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا تتنزّل علیهم الملائکه».(۴) این سه باور، امام را زنده نگه داشـت؛ جوان نگه داشت؛ فکر امام و راه امام و طریقه امام را برای این ملت، ماندگار و ثابت کرد؛ آن وقت همین سه باور به تدریج در مردم ما، در جوانان ما، در قشـرهای گوناگون، همگانی شد؛ امید پیدا شد، اعتماد به نفس پیدا شد، توکل به خدا پیدا شد؛ اینها جای یأس را گرفت، جای تاریک‌نمایی را گرفت، جای بدبینی را گرفت؛ مردم ایران روحیات خودشان را تغییر دادند، خدای متعال هـم وضـع آنها را تغییـر داد: «انّ الله لایغیّر ما بقوم حتّی یغیّروا ما بانفسـهم»؛(۵) ملت ایران راه خود را، حرکت خود را، انگیزه‌هـای خود را اصـلاح کردند، خدای متعال هم به آنها کمک کرد، به آنها نصرت داد و پشتیبانی کرد. نتیجه چه شـد؟ نتیجه این شـد که ایرانِ وابسـته تبدیل شد به ایران مستقل.

وابستگی شرم‌آور

از وابسـتگی رژیم طاغوتـی پهلوی - که بدتر از رژیم مرتجعِ روسـیاهِ قاجار بودند - به انگلیس و بعد به آمریکا، چیزهای زیادی هسـت که جوانهای عزیـز ما باید بدانند. وابستگی اینها به حالت شرم‌آور رسیده بود. بعد از انقلاب، یکی از دیپلماتهای برجسـته آمریکا این را گفت و نوشت؛ گفت ما بودیم که به شاه می‌گفتیم شما به فلان چیز احتیاج دارید، به فلان چیز احتیاج ندارید! آنها بودند که می‌گفتند این رابطه را باید برقرار کنید، این رابطه را باید قطع کنید؛ نفت را این مقدار تولید کنید، این مقدار بفروشـید؛ به کی بفروشید و به کی نفروشید! کشور با سیاست آمریکا، با نقشه آمریکا، و پیش از آن با سیاست و نقشه انگلیس اداره می‌شد. این کشور وابسته تبدیل شد به ایران مستقل، ایران سرافراز. سران فاسد و خائن و پول‌پرست و غرق در شهوات و لذتهای مادی و حیوانی، بر این کشور حکمرانی می‌کردند؛ این تبدیل شد به نمایندگان مردم؛ جای خود را دادند به زمامدارانی که نمایندگان مردم بودند. در این سی و چند سال کسانی بر این کشور فرمانروایی کردند، قدرت را در دست گرفتند، سیاست و اقتصاد را در دست گرفتند که نماینده مردم بودند. با همه ضعفها و با همه قوّتهایی که در اشخاص مختلف وجود داشت، این خصوصیت همه بود که اینها نماینده‌های مردم بودند؛ کسانی بودند که کیسه‌ای برای خود ندوخته بودند - البته یکی ضعیف‌تر است، یکی قوی‌تر است - این خیلی مسئله مهمی اسـت. آن سیاستمداران خبیثِ وابسته طماعِ پستِ فرودسـت در مقابل دشمنان و خشمگین در مقابلِ مردم، تبدیل شدند به نمایندگان مردم.

افتخار علمی

کشور عقب‌مانده ما از لحاظ علمی، تبدیل شد به یک کشور پیشرفته علمی. ما قبل از انقلاب هیچ افتخار علمی در کشور نداشتیم. امروز دیگران درباره ما می‌گویند، مراکز سـنجش جهانی درباره ایران قضاوت می‌کنند که رشـد و شتاب پیشـرفت علمی، یازده برابرِ متوسط دنیا است. این چیز کمی است؟ مراکز سنجش علمی پیش‌بینی می‌کنند که تا چند سال دیگر - تا سال ۲۰۱۷ - ایران در رتبه چهارم علمی دنیا قرار می‌گیرد. این چیز کوچکی است؟ آن کشوری که از لحاظ علمی هیچ افتخاری نداشت، تبدیل شد به این.

ما کشوری بودیم که اگر می‌خواستیم یک جاده، یک بزرگراه، یک سد، یک کارخانه بسازیم، باید به سمت بیگانگان دست دراز می‌کردیم تا مهندسان خارجی بیایند برای ما سد درست کنند، جاده درست کنند، کارخانه احداث کنند. امروز جوانان این ملت، بدون کمترین اعتنایی به بیگانگان، هزاران کارخانه، صدها سـد و پل و راه و بزرگراه در کشـور ایجاد می‌کنند. امروز رشـد علمی و فنی و توانایی‌های سازندگی در کشور به این نقطه از اوج رسیده است؛ آیا شایسته است که ما اینها را نبینیم؟

در زمینه بهداشـت و درمان، برای یک جراحیِ اندکی پیچیـده، بیمار ما بایـد می‌رفت در بیمارسـتانهای اروپا سـرگردان می‌شد، اگر پول داشت؛ و اگر پول نداشت، باید می‌مرد. امروز در کشور ما پیچیده‌ترین جراحی‌های بزرگ - پیونـد کبد، پیوند ریه، کارهای مهم در زمینه جراحی و پزشـکی - انجام می‌گیرد؛ نه فقط در تهران، در بسیاری از شهرهای دوردسـت. این توانایی‌ها امروز وجود دارد. ملت ایران در این زمینه احتیاجی به بیگانگان ندارد؛ در این زمینه بسیار مهم و حیاتی، به استقلال و خودکفایی رسیده است.

برکات انقلاب

بسـیاری از نقاط این کشور، فراموش‌شده بود - بنده در دوران پیش از انقلاب، به شهرستانهای مختلف و جاهای گوناگون زیاد سـفر می‌کـردم - کمترین نگاهی به مناطق دوردست کشـور نمی‌شـد؛ اما امروز خدمات گوناگون در سرتاسـر کشور گسترده اسـت؛ در شهرهای دوردست، در روستاهای گوناگون. امروز معنا ندارد که کسی بگوید فلان جـا از نیـروی برق یا فرضاً از زیرسـاختهای جاده و امثال اینها محروم مانده اسـت. آن روز اگر یک نقطه‌ای در نقاط دوردست برخوردار بود، مایه تعجب بود؛ امروز عکسش مایه تعجب است. آن روز در جمعیت سی و پنج میلیونی کشور، قبل از انقلاب، صد و پنجاه هزار دانشجو بود؛ امروز جمعیت شـده است دو برابر، تعداد دانشجو شده است بیست برابر، بلکه سی برابر؛ این یعنی توجه به علم. کثرت دانشجویان، کثرت اساتید، کثرت دانشگاه، قابل توجه است. در هر شهر دورافتاده‌ای، یکی، دو تا، پنج تا، گاهی ده تا دانشگاه وجود دارد. آن روز استانهایی وجود داشت که تعداد دبیرستانهایش به عدد انگشتان دو دست نمی‌رسید؛ امروز در همان استانها، در هر شهرش، چند دانشگاه، گاهی چندین دانشگاه وجود دارد. این، حرکت عظیم ملت ایران است که به برکت انقلاب و با همت جوانان و همت مسئولان، در طول این سی و چند سال اتفاق افتاده است؛ اینها حوادث مهمی است. به برکت انقلاب، زیربناهای فراوان در این کشور ساخته شد؛ هزاران کارخانه در این کشور احداث شد؛ کارخانه‌های مادر در این کشور به وجود آمد؛ محصولاتی که با منت باید ذره ذره از بیگانگان می‌خریدیم و تهیه می‌کردیم، امروز به‌وفور در کشور تولید می‌شود؛ اینها را باید دید؛ اینها همه به برکت همان سه باوری است که امام در این ملت تزریق کرد و این باورها را در آنها برانگیخت: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود.

راه طولانی است

مـا این حرفها را نمی‌زنیـم برای اینکه غرور کاذب به وجود بیاید؛ شاد شویم، خوشحال شویم که خب الحمدلله به پیروزی رسـیدیم، تمام شـد؛ نه، ما هنوز خیلی راه در پیش داریم. من به شـما عرض کنـم؛ ما اگر خودمان را با ایران دوران طاغوت مقایسه کنیم، این برجستگی‌ها به چشم می‌آید؛ اما اگر خودمان را با ایران اسلامیِ مطلوب مقایسه کنیم - کشوری که اسلام برای ما خواسته است، جامعه‌ای که اسلام برای ما خواسته است؛ جامعه‌ای که در آن، عزت دنیا هسـت، رفاه دنیا هست، ایمان و اخلاق و معنویت هم در آن هسـت؛ همه به حد وفـور - راه طولانی‌ای در پیش داریـم. من این عرایض را می‌کنم برای اینکه جوانان عزیز ما و ملت شـجاع ما بدانند که ادامه این راه را هم با همین سه باور می‌توانند در پیش بگیرند و پیش بروند. بدانید راه، طولانی است؛ اما شما توانایید، شما قدرت دارید، شما امکان دارید؛ می‌توانید این راه طولانی را تا رسـیدن به قله‌ها، با توانایی کامل، با سرعت و شتاب لازم ادامه دهید. این حرفها برای این است که اگر دشمنان می‌خواهند در دل ما یأس به وجود بیاورند، بدانید که آنها دارند دشمنی می‌کنند؛ همه چیز برای ما نمایشگر امید است.

اصول امام؛ نقشه راه

نقشه راه هم در مقابل ما است. ما نقشه راه داریم. نقشه راه ما چیست؟ نقشه راه ما همان اصول امام بزرگوار ما است؛ آن اصولی که با تکیه بر آن توانست آن ملت عقب‌افتاده سرافکنده را تبدیل کند به این ملت پیشرو و سرافراز. این اصول، اصولی است که در ادامه راه هم به درد ما می‌خورد و نقشه راه ما را تشکیل می‌دهد. اصول امام، اصول روشنی است. خوشبختانه بیانات امام، نوشته‌جات امام در بیست و چند جلد در اختیار مردم اسـت؛ خلاصه آنها در وصیتنامه جاودانه امام منعکس است؛ همه می‌توانند مراجعه کنند. ما مفید نمی‌دانیم که به اسم امام تمسک کنیم، اما اصول امام را به فراموشی بسپریم؛ این غلط است. اسم امام و یاد امام به‌تنهایی کافی نیست؛ امام با اصولش، با مبانی‌اش، با نقشـه راهش برای ملت ایران یک موجود جاودانه است. نقشه راه در اختیار امام است و آن را به ما عرضه کرده است؛ اصول امام مشخص است.

در سیاسـت داخلی، اصول امام عبارت اسـت از تکیه بـه رأی مردم؛ تأمیـن اتحاد و یکپارچگـی ملت؛ مردمی بودن و غیر اشـرافی بودن حکمرانان و زمامداران؛ دلبسته بودن مسـئولان به مصالح ملت؛ کار و تلاش همگانی برای پیشرفت کشور. در سیاست خارجی، اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاستهای مداخله‌گر و سلطه‌طلب؛ برادری با ملتهای مسـلمان؛ ارتباط برابر با همه کشـورها، بجز کشـورهایی که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی می‌کنند؛ مبارزه با صهیونیسم؛ مبارزه برای آزادی کشور فلسطین؛ کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان. وصیتنامه امام جلوی چشم ما است. نوشته‌های امام، فرمایشات امام، در کتابهایی که متن کلمات آن بزرگوار را درج کرده‌اند، موجود است.

در عرصـه فرهنـگ، اصول امام عبارت اسـت از نفی فرهنگ اباحه‌گری غربی؛ نفی جمود و تحجر و نفی ریاکاری در تمسک به دین؛ دفاع قاطع از اخلاق و احکام اسلام؛ مبارزه با ترویج فحشا و فساد در جامعه.

در اقتصاد، اصول امام تکیه به اقتصاد ملی است؛ تکیه به خودکفایی است؛ عدالت اقتصادی در تولید و توزیع است؛ دفاع از طبقات محروم است؛ مقابله با فرهنگ سرمایه‌داری و احترام به مالکیت است - اینها در کنار هم - امام فرهنگ ظالمانه سـرمایه‌داری را رد می‌کند، اما احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ همچنین هضم نشدن در اقتصاد جهانی؛ استقلال در اقتصاد ملی؛ اینها اصول امام در زمینه اقتصاد است؛ اینها چیزهایی است که در فرمایشات امام واضح است.

بقیه در صفحه ۹

سید علی
عشق فقط

هدیه به خوانندگان

رهبر معظم انقلاب: وقتی ما همه با هم برادریم، وقتی دشـمن مشتر ک جلوی روی ما هست، وقتی توطئه را می‌بینیم، چه کار باید بکنیم؟ تا امروز مسئولین در مقابل توطئه‌های دشمن همیشه کنار هم ایستاده‌اند، حالا هم باید همین جور باشد.

اخبار ادبی و هنری

طرح قرآنی ۱۴۴۷ در شبکه‌های مختلف سیما برگزار می‌شود

طرح قرآنی ۱۴۴۷ ویژه حفظ جزء ۲۹ قرآن کریم برگزار می‌شـود. این طرح از ۳۰ خرداد همزمان با ولادت حضرت علی اکبر (ع) و روز جوان در شـبکه‌های مختلف سیما آغاز می‌شود.

به گزارش خبرنگار کیهان، حسـن گروسی مدیر شبکه قرآن و معارف سیما در نشـستی خبری به سـابقه برگزاری این طرح در شبکه قرآن پرداخت و اظهار داشـت: طرح‌های قرآنی شـبکه قرآن با طرح موفق ۱۴۴۱ آغاز شد. این طرح در چارچوب طرح موفق ۱۴۴۶ در سال گذشته با محوریت جزء سی‌ام قرآن کریم و جذب بیش از پنج میلیون مخاطب اجرا می‌شود.

وی درباره پخش برنامه‌های مربوط به این طرح توضیح داد: هشـت شـبکه تلویزیونی شـامل شـبکه‌های قرآن و معارف سـیما ، یک، دو، سه، چهار، تهران ، آموزش و جام جم و دو شبکه رادیویی به طور روزانه از ساعت ۹ تا ۱۹ برنامه‌هایی با محوریت آموزش‌های روخوانی و فصیح‌خوانی ، حفظ و شیوه‌های آن ، تفسیر و پیام‌های جزء بیست و نهم را پخش خواهند کرد.

مدیر شبکه قرآن سیما ادامه داد: در این طرح مسابقه‌های مختلف حضوری و غیرحضوری از طریق رسانه‌های مختلف و مطبوعات و همچنین آموزش از طریق مراکز فرهنگی ـ قرآنی به ویژه مسـاجد و دارالقرآن‌ها اجرا می‌شـود. لازم به ذکر اسـت که تمرکز بیشـتر برنامه‌ها به روی حفظ آیات متمرکز است، اما در برخی مواقع نیز تفسیر خواهیم داشت.

گروسی اضافه کرد: علاوه بر استودیوهای اصلی که برای برگزاری این برنامه در نظر گرفته شـده، در بوستان‌ها، امامزاده‌ها و برخی مساجد نیز شاهد برگزاری این رویداد عظیم قرآنی خواهیم بود. در ضمن به صورت تلفنی و غیر حضوری نیز این مسابقه از طریق ۳۰ خط برگزار می‌شود.

وی با بیان اینکه در این برنامه قرآنی مسـابقه نقاشـی هم برگزار می‌شـود خاطرنشان کرد: بخشی ویژه در این برنامه قرآن وجود دارد که به واسطه آن کودکان می‌توانند نقاشی‌های خود را با محوریت جزء ۲۹ قرآن به شبکه قرآن ارسال کنند تا در این بخش که جوایزه ویژه برای آن در نظر گرفته شده حضور داشته باشند.

وی افزود: اختتامیه این طرح همزمان با شـب ولادت حضرت معصومه (س) است که در آن پنج هزار نفر معرفی خواهند شد که به آنها کمک هزینه سفر به عتبات عالیات تعلق خواهد گرفت.

گروسی همچنین از برگزاری طرح بزرگ ختم قرآن از سوی شبکه قرآن سیما خبر داد و گفت: این طرح به نیت تعجیل در ظهور و سلامتی امام زمان (عج) از عید مبعث تا نیمه شعبان برگزار خواهد شد.

خبرگزاری دولت: سوغات مسئولان از بازار کن «هیچ» است!

یک خبرگزاری دولتی گزارش داد: سـوغات مسئولان سینمایی از بازار جشنواره فیلم کن «هیچ» است!

خبرگـزاری ایرنا گزارش داد: سـالیان متمادی از حضور دسـت اندرکاران و فعـالان حـوزه توزیع و امور بین‌الملل سـینما در رویدادها و مجامع جهانی نظیر بازار کن می‌گذرد، اما کمتر دسـتاوردی از این آمد و رفت به گوش می‌رسـد. این عده که با هزینه و امکانات رسمی می‌بایست برای تحقق مطالبات و رویکردهای فرهنگی دولت در قالب حضور در این مجامع تلاش کنند و دستاورد کاری خود را به صورت شفاف و ملموس در سینما ارایه کنند، عموما خود را فارغ از این رویکرد می‌دانند و صرفا با یکسری کلی‌گویی و ارجاع ثمره سفر خود به گذر زمان، همه چیز را بایگانی می‌کنند.

در ادامه این گزارش آمده اسـت: چتر سـینمای ایران سال‌هاسـت در بازار جشـنواره‌های متعدد همچون کن و برلین گسـترده شده و گروه‌های متعددی از مدیران در این رویدادها حضور یافته‌اند و همواره پرسش‌های بسیاری درباره عملکرد آنان وجود داشته است. همواره وقتی سخن از عملکرد مدیران سینمایی درباره دستاوردهای حضور در بازار جشنواره کن به میان می‌آید آنان اعلام می‌کنند که دستاوردهای حضور در این دوره کن در سال بعد مشخص می‌شود و این سخن بهانه‌ای برای ارائه نکردن آماری شفاف درباره سرنوشت بودجه‌های هزینه شده برای حضور مسئولان و دستاندرکاران در بازار فیلم کن شده است. به عبارتی، مدیران مربوطه همواره دستاوردهای امسال حضور در بازار فیلم کن را به سال آینده موکول می‌کنند و در معدود نشست‌هایی که در این باره با اصحاب رسانه برگزار می‌کنند، حرفی از دسـتاورد حضور خود در بازار فیلم کن در سال پیش از آن نمی‌زنند. پربی‌راه نیست اگر بگوییم دستاورد سینمای ایران از حضور در بازارهای جشـنواره‌های سینمایی گنگ اسـت و هیچکدام از فیلمسازان کشور دقیقا نمی‌دانند در بازارهای جهانی همچون کن دقیقا چه اتفاقی برای سینمای ایران رخ می‌دهد؟

براسـاس این گـزارش، ارائه آمار کلی مبنی بر فروش بـه طور نمونه ۲۶ اثر سـینمایی در جشـنواره فیلم کن سال گذشته بدون ارائه آمار دقیق نام فیلم‌ها و در عین حال میزان فروش این آثار و قیاس این درآمد با هزینه حداقل ۱۰۰ هزار یورویی حضور مدیران در جشنواره فیلم کن، دردی را از سینمای ایران دوا نمی‌کند و در سال‌های اخیر همواره این کلی‌گویی‌ها از سوی مدیران و دستاندرکارانی که سال‌هاست در جشنواره‌های جهانی حضور داشته‌اند مطرح شده است.

جسد حلق‌آویز شده ستاره سینمای هند پیدا شد!

جسد جیا خان بازیگر جوان هندی در حالی در خانه‌اش در بمبئی کشف شد که حلق‌آویز شده بود.

به گزارش مهر، جسد "جیا خان" بازیگر مطرح بالیوود در بمبئی و در آپارتمانش پیدا شد. به گفته پلیس هیچ یادداشتی مبنی بر خودکشی به دست نیامده و آنها در حال به دست آوردن اطلاعاتی از همسایه‌ها هستند.

جسـد "جیا خان" که نام اصلی‌اش نفیسـه خان بود، در حالی که حلق آویز شده بود، توسط مادرش پیدا شد. او متولد نیویورک بوده و مدتی در لندن زندگی کرد، وی سپس برای بازی در بالیوود راهی هندوستان شد.

مرگ این بازیگر شـوک بزرگی به جامعه فیلمسـازی هند وارد کرد و در شـبکه‌های اجتماعی خبرهای زیادی از این واقعه منتشر شد. برخی معتقدند به دلیل این که وی سـه سـال اخیر در فیلمی بازی نکرده بود، از آینده خود نگران بوده است.

فرح‌خان فیلمساز مشهور هندی در این باره نوشت: نمی‌توانم تصویر کنم وی دیگر نیست...همکاری با او در «خانه پر جمعیت» و روح زیبایی که او داشت، تجربه خوبی بود. او برای رفتن خیلی جوان بود.

در وب سـایت «جیا خان» نوشته شـده که «جیا خان» از ۱۷ سـالگی در نیویـورک بـه آموزش بازیگری «متد» و اجرای آثار شکسـپیر پرداخته بود. وی سپس به انجمن‌های دفاع از حقوق حیوانات پیوست.

اعتراض انجمن والدین به تخریب اخلاق در تلویزیون آمریکا

انجمن والدین آمریکا با انتشار گزارشـی سریال‌های تلویزیونی این کشور را تهدیدی برای اخلاق دانست و نسبت به این مسئله شکایت کرد.

به گزارش منابع خبری، در این گزارش که هفته‌نامه ورایتی آن را منتشر کرده، هشـدار داده شده که نمایش برهنگی در ساعات اوج پخش برنامه‌های تلویزیونی درآمریکا افزایش یافته است به طوری که این مسئله درحال تبدیل شدن به یک روند عادی اسـت. طبق پژوهشـی که انجمن تلویزیون والدین آمریکا انجام داده ۷۰ درصد سریال‌های رده TV-PG (که باید برای بچه‌ها مناسب باشند) چنین صحنه‌هایی دارند.

طبق این گزارش شبکه‌هایی مثل NBC و ABC بیشتر از بقیه در این قضیه نقش دارند و ۸۸ درصد برهنگی نمایش داده شده در ساعات اوج پخش برنامه در شبکه آن‌ها دیده می‌شود.

شـکایت اصلی انجمن والدین به تخلف این شـبکه‌ها از قوانین درجه‌بندی برنامه‌های تلویزیونی وارد اسـت. والدین می‌گویند برنامه‌ای که مثلاً اعلام شـده برای بچه‌ها مناسب اسـت، صحنه‌های برهنگی دارد، گیرم سانسور شده. آن‌ها می‌گویند دیگر نمی‌دانند چطور باید نوع برنامه‌هایی که فرزندانشان تماشا می‌کنند را کنترل کنند.